

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۰، پیاپی ۱۱۰، زمستان ۱۳۹۲

بررسی و تحلیل آرامگاه‌های منسوب به اخلاف امام کاظم (ع) در لواسانات (با تکیه بر مطالعه‌ی اسناد خطی و بررسی‌های میدانی)

میثم علیئی^۱
محمدحسن ذال^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۰/۱۸

چکیده

لواسانات از بخش‌های سه‌گانه‌ی قصران یا کوهسران در شمال ری است. کوهستانی و نفوذناپذیر بودن این منطقه موجب شده است در جنگ‌ها، پناهگاهی برای مردمان منطقه محسوب شود. این منطقه در صدر اسلام نیز مأمّن فرزندان و نوادگان امامان شیعه و علویان مخالف خلافت امویان و عباسیان بوده است. ساخت آرامگاه برای این بزرگان، سبب تمرکز امامزادگان در این منطقه شده است. در شمال ری بیش از سی امامزاده وجود دارد که نیمی از آن‌ها در لواسانات واقع شده‌اند. در این پژوهش، یازده نمونه از امامزادگان

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و نویسنده‌ی مسئول. meissam.aliei@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت گردشگری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران. m.zaal@umz.ac.ir

منتسب به اخلاف امام کاظم (ع) در لواسانات را مطالعه کرده‌ایم. داده‌های پژوهش را با روش مطالعات اسنادی و میدانی گردآوری کردیم. وجود تناقضات در نسب‌شناسی‌ها، قرائت اشتباه کلمات و نام جاهایی که مدفن امامزادگان هستند، مشکلات نسب‌شناسی به دلیل وجود نام‌های مشابه و تحریف‌های اساسی منابع به دلیل وجود نام‌های ایرانی، مهم‌ترین نتایج این پژوهش هستند.

واژگان کلیدی: آرامگاه‌ها، نسب‌شناسی، اخلاف امام کاظم (ع)، لواسانات.

۱. درآمد

دلیل ساخت فراوان آرامگاه در ایران چیست و چرا ساخت این بناها در دوران اسلامی و در مناطق خاصی از ایران رونق یافت؟ در پاسخ باید گفت که آغاز حیات در جهانی انبوه از مجهولات، با ترس همراه بود. بشر نخستین به دلیل زیانباری عوارض طبیعی، چاره‌ای جز ادای احترام به آن‌ها نداشت (غروی، ۱۳۷۶: ۱۳؛ قرایی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۴۷-۲۶۲؛ رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۵۱). کم‌کم بشر خدایانی خلق کرد و خطرات طبیعی را به آنان نسبت داد. کوشش بعدی، ایجاد ارتباط بین انسان و خدایان بود. در برخی سرزمین‌ها به دلیل نیافتن این ارتباط، آلات تناسلی به عنوان مهم‌ترین وجه تشابه و نشانه‌ی خلاقیت، پذیرفته و پرستش شد. دوران بعد دوران تقدیس روح و شبیح است. مردم مرگ را یک انتقال و اشباح مردگان را همواره حاضر می‌پنداشتند. کم‌کم پرستش مردگان از سر ترس، به تقدیس آنان و سپس به تقوای دینی بدل شد (غروی، ۱۳۷۶: ۱۳-۱۵). احترام به صاحبان جایگاه مذهبی و اجتماعی، سبب ساخت آرامگاه‌هایی برای آنان شد و با گذشت زمان، آرامگاه‌ها برحسب تنوع باورها و اقلیم، متکامل و متنوع شدند.

در فرهنگ ایرانی، آرامگاه مدفن یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی است. این بناها به دو گروه مذهبی (زیارتی) و غیرمذهبی تقسیم می‌شوند (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۰). جایگاه والای مردگان در ایران باستان و باور به زندگی پس از مرگ، سبب ساختن گور و پرکردن

آن با اشیاء گوناگون می‌شد (میرلطیفی، ۱۳۸۴: ۲۵) که سابقه‌ی آن در ایران به زیگورات چغازنبیل بازمی‌گردد (زارعی، ۱۳۸۸: ۵۴-۶۴؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۱).

با آمدن دین مبین اسلام، نوع نگرش به مردگان، جهان پس از مرگ و آداب تدفین تغییر کرد. با تغییر نگرش‌ها در گذر زمان، ساخت آرامگاه‌ها برای بزرگان دینی و سپس، صاحب‌منصبان سیاسی و اقتصادی نیز رایج شد؛ از این‌رو آرامگاه‌ها در ایران اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ به طوری که بعد از مساجد، بیشترین حجم معماری را به خود اختصاص داده‌اند (هیلن‌براند، ۱۳۸۳: ۲۷۲). تفکرات شیعی یکی از انگیزه‌های مهم ساخت بقاع متبرکه است. تمایل شیعیان با شکل‌گیری اماکن مقدس کربلا، نجف و سامرا ایجاد شد و با عزاداری عاشورا تکامل یافت. افزودن اجزایی چون نرده، صندوق و ضریح به مقابر بزرگان دینی نشانه‌ی تکریم آنان بود. رشد رسم زیارت قبور ائمه، خواندن نماز، ادعیه، ختم قرآن و دفن مردگان در این مکان‌ها برای کسب فیض، باعث ایجاد مجتمع‌های آرامگاهی شد و در نهایت، ایمان نسل‌های متوالی مردم محل و سیل دائمی زوار، موجب آبادی و توسعه‌ی بقاع شد (کیانی، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۲).

این بناها تمرکز معناداری در مناطق کوهستانی دارند که نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی منطقی میان شرایط اجتماعی و سیاسی دوره‌ی ساخت آن‌ها و امنیت منطقه است. منطقه‌ی لواسانات نیز تابعی از روند یاد شده است. تمرکز مقابر مشهور به امامزاده در این منطقه بسیار زیاد است و بسیاری از آن‌ها را به اخلاف امام کاظم (ع) نسبت می‌دهند. در پژوهش حاضر این موضوع را بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

۲. جغرافیا و پیشینه‌ی تاریخی منطقه‌ی لواسانات

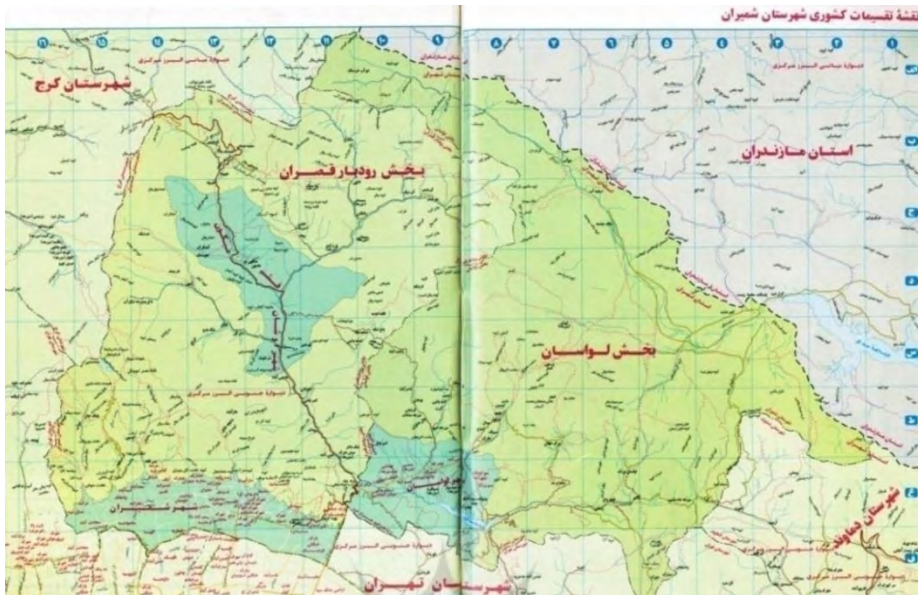
قصران خارج (تجربش) در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی و قصران داخل در لابه‌لای دره‌ها و قلل البرز مرکزی و در شمال و شمال شرقی توچال، دو بخش شمیران کنونی هستند. قصران داخل به رودبار قصران در غرب و لواسان در شرق (شامل لواسان کوچک و بزرگ) تقسیم می‌شود. مرکز دهستان لواسان بزرگ در تاریخ به «لواسان بزرگ» و امروزه به لواسان مشهور است (محمودیان، ۱۳۸۱: ۵۸ - ۷۰). لواسانات از شرق و شمال به

مازندران، از جنوب شرق به دماوند، از جنوب غرب به شمیران و از غرب به رودبار قصران می‌رسد (پازوکی، ۱۳۸۱: ۱۲۱ - ۱۲۲).

نخستین بار در سفرنامه‌ی ناصر خسرو به «لواسان» اشاره شده است: «... و میان ری و آمل، کوه دماوند است مانند گنبدی و آن را لواسان گویند» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۴-۵). لواسان در عصر علویان طبرستان، تحت سلطه‌ی آنان درآمد و شیعیان بسیاری به این منطقه آمدند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۲۹-۲۳۳). ظهیرالدین می‌گوید که قصران، دماوند و فیروزکوه به تصرف سادات مرعشی درآمدند: «فقط در مدت ۲ سال، جمیع قلاع که در آن بقاع بودند، از طالقان تا لواسان، مجموع به تحت تصرف سادات عظام درآمد» (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۱۲).

در هفت‌اقلیم آمده است: «تهران در زمان شاه تهماسب صفوی به زینت بارو و زیور اسواق، متجلی گردید و سمت شهریت پذیرفت» (رازی، ۱۳۷۸: ۱۱۵۷). شاه تهماسب مسجد لواسان را بازسازی کرد. روی یکی از درهای چوبی مسجد روستای لواسان بزرگ نوشته شده است: «فی عصر السلطان الاعظم لخاقان المعظم ابوالمظفر شاه تهماسب بهادرخان الصفوی» (کریمان، ۱۳۵۶: ۱ / ۲۱۰).

با پایتخت شدن تهران در عصر قاجار، لواسان بخش حاشیه‌ای پایتخت «بیلاقی و شکارگاهی» و لواسان کوچک «کوشک‌دشت» نامیده شد (معصوم‌علیشاه، ۱۳۴۵: ۶۳۶).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی لواسان در شهرستان شمیران (محمودیان، ۱۳۸۱)



شکل ۲: موقعیت لواسانات (گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۷-۴۸)

۳. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی لواسانات اندک است. قدیمی‌ترین تحقیق، نسخه‌ی خطی *جغرافیای دره رودبار*، اثر میرزا محمد مهندس، در عصر قاجار است که به برخی از اماکن مقدس منطقه اشاراتی دارد. کامل‌ترین تحقیق را مرحوم حسین کریمان با نام *قصران* در دو جلد (دهه‌ی چهل شمسی) انجام داده است. سپس افرادی چون پازوکی (۱۳۸۲)، سروقدی (۱۳۸۶)، آقاشریف [بی‌تا] و نجفی (۱۳۹۰) پژوهش‌هایی را انجام دادند؛ اما تاکنون تحقیق جامع و مستقلی درباره‌ی امامزادگان منطقه انجام نشده است. در پژوهش‌های مؤسسه‌ی ایران‌شناسی در مورد امامزادگان استان‌های تهران و البرز (حبیبی، ۱۳۸۹) نیز توجهی به لواسان نشده است و در برخی از نسخ خطی که به این ناحیه اشاره کرده‌اند، اشتباهاتی دیده می‌شود.

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر را با هدف بررسی و تحلیل برخی از آرامگاه‌های لواسانات انجام داده‌ایم. در میان بیش از سی امامزاده‌ی شمال‌ری، نیمی از آن‌ها در لواسانات قرار دارند. در این پژوهش، یازده نمونه از امامزاده‌ها را که از اخلاف امام موسی کاظم (ع) دانسته‌اند، انتخاب کردیم. داده‌های پژوهش را به روش مطالعات اسنادی و میدانی گردآوری کردیم. بسیاری از نسخ خطی، نسب‌شناسی‌ها و پژوهش‌های معاصر را مطالعه کردیم و برای تکمیل مطالعات اسنادی، شش ماه بررسی میدانی انجام دادیم. در پایان، داده‌های حاصل از مطالعات اسنادی و میدانی را تطبیق دادیم و با روش تحلیل نظری تفسیر کردیم.

۵. معرفی یافته‌های پژوهش

امامزادگان بررسی شده عبارت‌اند از:

۱-۵. امامزاده عبدالله جائیح

این امامزاده در محله‌ی جائیح و کنار مسجدالنبی واقع است. شخص مدفون، عبدالله بن حسین عدنان بن موسی کاظم است. بر اساس گفته‌ی راویان بومی، ایشان که به دنبال

ولایت عهدی تحمیلی امام رضا (ع) وارد ایران شد، توسط عمّال بنی عباس تحت تعقیب قرار گرفت، به لواسان پناه برد و پس از مدتی درگذشت یا بر اثر اختلاف با فردی، به دست ضارب به شهادت رسید (آقاشریف، [بی تا]).

در تاریخ یعقوبی، ارشاد شیخ مفید، مناقب ابن شهر آشوب، الفخری فی انساب الطالبین زورقانی / زوارقانی، عمده الطالب ابن عنبه و ... نامی از عدنان / ادنان، فرزند امام کاظم (ع) دیده نمی شود. بیشتر اسامی منسوب به فرزندان ائمه، به ویژه امام کاظم (ع)، در نسخ خطی بحر الانساب، بهره نصاب یا کنز الانساب دیده می شود.



شکل ۳: امامزاده عبدالله جائیح (نگارندگان)

در این تحقیق، چند نسخه بحر الانساب را بررسی کردیم؛ نسخه مورخ ۱۲۰۸ ه. ق [الف]، نسخه مورخ ۱۲۳۸ ه. ق (بدون شماره‌ی صفحه) [ب]، نسخه سال ۱۲۸۳ [ج] و نسخه قرن چهارده [د]. تنها بحر الانساب‌ها، از ادنان [عدنان] به عنوان فرزند امام کاظم (ع) نام برده‌اند ([الف]: ۵۷؛ [ج]: ۶۷). در برخی از نسخه‌ها آمده است که ادنان پسرانی داشته است که حسین یکی از آنها است ([ب]: ۲) (از بخش ذکر اخبار امام کاظم)؛ [ج]: ۶۸؛ د: ۸۳). در نسخه الف صفحه ۵۸، اسامی فرزندان ادنان بن امام کاظم، محمود،

بدرالدین و... ذکر شده است؛ اما سه نسخه‌ی دیگر، این اسامی را به فرزندان صالح بن امام کاظم (ع) منتسب کرده‌اند. کاتب نسخه‌ی الف، در ذکر اسامی فرزندان ادنان اشتباه کرده است؛ زیرا در همین نسخه در صفحه‌ی ۶۴ آمده است که «اما عبدالله بن حسین بن ادنان بن حضرت امام کاظم را در موضع کوشکدشت به ده جائیح شهید کردند» و این نشان می‌دهد که نام فرزندان صالح به جای فرزندان ادنان نوشته شده است. در سه نسخه، عبارت شهادت «عبدالله بن حسین بن ادنان بن امام کاظم در کوشکدشت به ده جائیح» دیده می‌شود و در نسخه‌ی ج از موضع کوشک نام برده شده و اسم جائیح نیامده است. در نسخه‌ی دیگر مربوط به سال ۱۰۷۴ ه. ق آمده است: «امامزاده عبدالله بن حسین بن لعان (ادنان / عدنان) بن امام کاظم در ده خایح [جائیح] به ولایت کوشکدشت شهید کردند» (اسکن ۲۹) و در نسخه‌ی قرن ۱۲، کلمه‌ی «ضایح» را به جای «جایح» نوشته‌اند (نسخه‌ی ۲۲۳ ج: ۶۲).

۲-۵. امامزاده فضلعلی ناران

این بنا در شرق لواسان و جنوب ناران واقع است. بر اساس زیارتنامه‌ی بقعه، نسب وی به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد؛ «امامزاده فضل بن علی بن موسی الکاظم».

در منابع (بخش امامزاده عبدالله جائیح) آمده است که تنها فرزند امام کاظم (ع) با نام علی، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است؛ اما در منابع مختلف (نک: بخش امامزاده عبدالله جائیح) به فردی به نام فضل که فرزند علی بن موسی الرضا (ع) باشد، اشاره نشده است.

در بحرالانساب‌ها، فردی «فرض علی» نام، به فرزندان امام کاظم (ع) منسوب است؛ اما ایشان نیز فرزندی به نام «فضل» ندارند [الف]: مقابل ۵۸؛ [ب]: ۸۲؛ [ج]: ۶۷. همچنین نام «فرض علی» در زمان امام کاظم (ع) متداول نبوده است. در بخش‌های دیگری از بحرالانساب‌ها آمده است: «محمد باقر بن امام موسی، برادران فضل، علی، اسماعیل و نقی بعد از هزیمت ساروقمش [؟] به کوهپایه‌ها رفتند و چون به رودبار قصران رسیدند ... [ذکر شهادت محمد باقر بن موسی الکاظم در ده رودک] ... فضل و علی در ولایت کوشکدشت در موضع «پار» ایشان را شهید کردند و تربت ایشان مشهور است» [ج]: ۸۷ و ۸۸. در

نسخه‌ی ج صفحه‌ی ۶۷ (ذکر فرزندان امام کاظم)، اصلاً نامی از فضل و نقی دیده نمی‌شود. در این نسخه‌ها اغتشاش و گسستگی زیادی دیده می‌شود. در نسخه‌ی د آمده است: «... فضل و علی که از هزیمت ساروقمش [؟] رو به کوهپایه نهادند» (د: ۱۱۴) و در ادامه نوشته شده است: «امام فضلعلی بن امام کاظم را در ولایت کوشکدشت به موضع ناران ... شهید کردند» (همان: ۱۱۶). در نسخه‌ی الف نیز آمده است که «فضلعلی بن امام کاظم در ولایت کوشکدشت به موضع ناران به خانه محمود حلوی فرود آمد ... و در موضع ناران حضرت امامزاده فضل را شهید کردند و تربت آن امامزاده‌ی معصوم مشهور است» ([الف]: مقابل ۷۵). در همه‌ی نسخه‌ها آمده است که محمدباقر با دیگر برادرانش، فضل، علی و اسماعیل به کوهپایه‌ها و رودبارقصران رفتند؛ اما در نسخه‌ی الف و ج امامزاده‌ی ناران را یک نفر معرفی می‌کنند؛ فضلعلی / فضلعلی بن امام کاظم. در نسخه‌ی دیگر از قرن ۱۳، آمده است: «فضل بن امام کاظم در ولایت کوشک در موضع ناران شهید شد» (نسخه‌ی دانشگاه تهران: ۱۶۴). این پراکندگی، صحت مطالب این نسخه‌ها را مخدوش می‌کند. همچنین روی صندوق مرقد این امامزاده (متعلق به دوران صفوی)، نام صاحب بقعه، ابوالفضل ذکر شده است؛ بنابراین تغییر نام امامزاده در طول زمان و یا اینکه این نام، تغییر یافته‌ی فضل و علی باشد، محتمل است.

برخی منابع، به فضل پسر امام کاظم (ع) که مقبره نیز دارد، اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه در عمده‌الطالب آمده است، مزار سلیمان و فضل (فرزندان امام کاظم) در آواه [آوه] است (ابن عنبه، ۱۳۸۱: ۱۹۷) و در بحارالانوار آمده است مقبره‌ی فضل بن امام کاظم (ع) در بهبهان واقع شده و به شاه فضل مشهور است (مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۷۰). با انتساب این مقبره به فضل، فرزند امام کاظم (ع)، اکنون سه مقبره به نام فضل بن امام کاظم در لواسان، بهبهان و آواه [آوه] وجود دارد.



شکل ۴: امامزاده فضلعلی ناران (نگارندگان)

۳-۵. امامزاده محمد و عبدالله بوجان

امامزاده محمد و عبدالله در مرکز روستای بوجان قرار دارد. نسب این دو امامزاده، بر اساس نوشته‌ی روی سنگ قبر، به امام زین العابدین (ع) می‌رسد؛ محمد و عبدالله بن هادی بن زین العابدین. آیت‌الله نجفی، می‌گوید: «امامزاده محمد [و عبدالله]، از نوادگان امام کاظم (ع) است» (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

در منابعی همچون تاریخ یعقوبی، اعلام‌الوری، بحارالانوار، تاریخ‌گزیده، حیب‌السیر و ... نامی از هادی (فرزند امام سجاد) ذکر نشده است؛ اما بحرالانساب‌ها از هادی به عنوان فرزند امام سجاد (ع) نام برده‌اند و می‌گویند فرزندان وی، محمد، زفر و عبدالله در امامه و «بوجان ساوه» شهید شدند ([الف]: ۳۳). در نسخه‌ی ب نیز آمده است: فرزندان هادی بن امام زین العابدین در امامه افتادند و در موضع «نوجان» محمد، زغیر و عبدالله را شهید کردند ([ب]: بخش شهادت فرزندان امام زین العابدین). در نسخه‌ی ج آمده است که فرزندان هادی بن کاظم (ع) در امامیه [امامه] افتادند و «ایشان را در آنجا شهید کردند» ([ج]: ۴۲). در نسخه‌ی د آمده است: فرزندان هادی بن امام زین العابدین به امامه افتادند و «محمد، زغیر و عبدالله را در موضع نوجان شهید کردند» ([د]: ۴۸). در قدیمی‌ترین نسخه‌ی در دسترس،

بوجان در حوالی ساوه ذکر شده است. بوجان امروزه در رودبارقصران قرار دارد و در ناحیه‌ی ساوه چنین روستایی وجود ندارد. گفتنی است که روستایی با نام «اوجان» بین ساوه و آوه وجود دارد که امامزاده «شاهزاده عبدالله» در آن واقع است؛ بنابراین رخ دادن اشتباه در ضبط اسم این فرد، بین امامه و ساوه محتمل است. در هر چهار نسخه نام امامه آمده است؛ بنابراین احتمال تعلق آن به رودبارقصران زیاد است.

برخی منابع (بدون ذکر مرجع)، این امامزاده را از نوادگان امام کاظم (ع) می‌دانند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در صورت مراجعه به بحرالانساب‌ها، احتمال تعلق این بقعه، به نوادگان امام زین‌العابدین بیشتر است؛ اما تعداد مهاجران از نوادگان امام کاظم بیشتر از امامان دیگر است.



شکل ۵: امامزاده محمد و عبدالله بوجان (نگارندگان)

۴-۵. امامزاده محمدشعیب گُند سفلی

این امامزاده در شمال غرب روستای گُند سفلی واقع است. فرد مدفون، به امامزاده محمدشعیب مشهور است؛ اما روی سنگ قبر نوشته شده است: محمدتقی ولد موسی‌الکاظم.

در منابع نامی از محمدتقی بن امام کاظم وجود ندارد. بحرالانساب‌ها از «شعیب» به عنوان یکی از فرزندان امام کاظم (ع) یاد می‌کنند. در نسخه‌ی الف آمده است: بعد از هزیمت

ساروقمش، گروهی از امامزادگان مانند محمد و ... شعیب، عبدالله و ... به کند رسیدند و در قلعه‌ی درک / دزک گروهی از امامزادگان را شهید کردند؛ از جمله امامزاده شعیب ([الف]: مقابل ۷۱ و ۷۱). در ادامه آمده است: «امامزاده شعیب را تربتش ظاهر است و مردم آن ده را فیروز می خوانند» (همان؛ [ج]: ۸۳ و ۸۴). در نسخه‌ی ج، تعداد امامزادگان مدفون در آنجا هجده تن ذکر شده است (همان). در *بدایع الانساب* آمده است: «شعیب بن امام موسی (ع)» در خارج سبزوار بقعه دارد (بدایع نگار لاهوتی، ۱۳۱۹: ۳۳). با احتساب امامزاده شعیب بن موسی بن جعفر (ع) سبزوار (ملازاده و محمدی، ۱۳۷۸)، اکنون دو امامزاده به اسم شعیب بن موسی در لواسانات و سبزوار وجود دارد. احتمال مدفون بودن دو تن به نام‌های محمد و شعیب در بقعه‌ی روستای کُند سفلی نیز وجود دارد.



شکل ۶: امامزاده محمد شعیب کند سفلی (نگارندگان)

۵-۵. امامزاده طیب رستان

امامزاده طیب در روستای رستان در شرق لواسان واقع است. بنابر اعتقاد اهالی، نسب این امامزاده به امام رضا (ع) می‌رسد (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۴۶)؛ اما در زیارتنامه‌ی داخل بقعه آمده است: «السید الشہید الطیب بن موسی الکاظم».

سنگ قبر جدید و مرمرین بنا، دارای خطوط ثلث و نستعلیق و شامل سلام بر خداوند، پیامبر و نام امامزاده «امامزاده طیب و طاهر فرزند موسی بن جعفر امام هفتم» است. در زیارتنامه آمده است: «السلام علیک ایها الشخص الشریف السید الشهید الطیب الطاهر الکریم». احتمالاً دلیل آمدن نام «طیب و طاهر» بر سنگ قبر همین است و طبق متن زیارتنامه، بقعه به دو نفر تعلق ندارد. برخی منابع، نام امامزاده را یونس، لقبش را طیب و او را از نوادگان امام موسی کاظم دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۸؛ سروقدی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)؛ اما طبق زیارتنامه، امامزاده طیب فرزند امام کاظم است.



شکل ۷: امامزاده طیب رسان (نگارندگان)

نام امامزاده طیب و طاهر در کنار راه سراج به قم نیز دیده می‌شود (ملازاده، ۱۳۷۸: ۱۷۹). در منابع مختلف (منابع امامزاده عبدالله جائیج)، امام کاظم (ع) فرزندی به نام طیب نداشته‌اند؛ اما در بحرالانساب آمده است: «طیب» یکی از فرزندان امام کاظم (ع) بوده است ([الف]: ۵۷؛ [ج]: ۶۷). در نسخه‌ی الف آمده است: «امامزادگان طیب، موسی و خواجه احمد [فرزندان امام کاظم (ع)] ... روی به ولایت لو/خراسان نهادند و چون به موضع لوسان رسیدند، طایفه میردوسپری خبر شدند و مجادله کردند ... امامزاده طیب بن

موسی‌الکاظم (ع) را ... در رسنان شهید کردند» ([الف]: ۶۰ و مقابل ۶۱). در نسخه‌ی ج، به جای رسنان، رسان آمده است. در نسخه‌ی قرن چهارده نیز آمده است که همین سه تن به «لواسان» می‌آیند و خواجه احمد و موسی را در «لواسان» و طیب را در «رسنان» شهید می‌کنند ([د]: ۸۸). در نسخه‌ی قرن دوازده (موجود در دانشگاه تهران) آمده است: «طیب بن موسی در رسنان شهید شد» (نسخه‌ی ۲/۲۸۱۷ ف: اسکن ۲۷). در نسخه‌ی دیگر، «رسانان» ذکر شده است (شماره‌ی ۲۲۳ ج: ۵۸). اینکه اسم این امامزاده، یونس و لقبش طیب بود، درست نیست، دلیل آن را در بخش امامزاده یونس روستای لواسان بزرگ خواهیم گفت.

گفتنی است، برکتیه‌ی صندوق قبر یکی از اضلاع بقعه (شکل ۸) نوشته شده است: «هذه الصندوق الامام المعصوم صاحبه اميرلاعظم بکاتيمور ابن المرحوم حسن تيمور» و در پایین نوشته شده است: «احسن الله عواقبه في تاريخ شهرالله ذى القعد سنه سبع و اربعين و ثمان مائه^۱. بر اساس این کتیبه که ظاهراً در سال ۸۴۷ ه. ق نوشته شده است، صاحب صندوق «امیر بکاتیمور» است. اصطلاح «کا» یا «بکا» در جاهای دیگری نیز به کار رفته است؛ مثلاً در بحر الانساب المسمی هنگام برشمردن اعقاب حمزه آمده است: «حمزه بن - الحسن بن حمزه بن امیر کابن علی بن ... بهزاد و عقبه بطبرستان» (الحسینی النجفی، ۱۴۱۹: ۴۸) یا در نسخه‌ی الفخر فی انساب الطالبیین آمده است: «... و محمد ابو جعفر امیر کا بهمدان، له بها عقب برودراور [به رودراور] و مرو» (الزورقانی، ۱۴۰۹: ۱۱۷ - ۱۱۸). با اینکه قدمت کتیبه به قرن نهم هجری برمی‌گردد، احتمال انتساب مقبره به فردی غیر مذهبی و اطلاق نام طیب به وی در گذر زمان وجود دارد. «کا» احتمالاً صورت طبری و یا گویش محلی «کیا» به معنی والی طبرستان و گیلان و سرور و بزرگ است (معین، ۱۳۸۸: ۳۱۴۷). طی نیمه‌ی قرن نهم هجری، آل کیا که بر گیلان حکومت می‌کردند، بر منطقه‌ی قصران داخل و لواسان نیز نفوذ داشتند. این نواحی در میان تیموریان، آل کیا و آلبادوسپان دست به دست می‌شد (کریمان، ۱۳۵۶: ۱/ ۳۷۹-۳۹۶). با توجه به لقب روی صندوق که توسط حکام

۱. برای آگاهی از مضامین و محتوای کتیبه‌های این صندوق و صندوق‌های مقبره‌های دیگر منطقه‌ی لواسانات و رودبار قصران، به مقاله‌ی میثم علیی با عنوان «بررسی کتیبه‌های صندوق‌های برخی از مقابر ناحیه‌ی لواسانات و رودبار قصران» مراجعه کنید.

شمال ایران استفاده می‌شد، احتمالاً صاحب قبر از والیان شمال کشور و قطعاً شیعه بوده است. همچنین احتمال کمی وجود دارد که صاحب صندوق، سفارش‌دهنده یا واقف آن نیز باشد.



شکل ۸: نام حضرت مهدی (ع) و تاریخ ساخت صندوق بر بدنه‌ی صندوق امامزاده طیب رستان
(نگارندگان)

۵-۶. امامزاده خواجه سلطان احمد لواسان بزرگ

آرامگاه سلطان احمد، در شمال غرب روستای لواسان بزرگ و در محله‌ی رودبار واقع است. نام مدفون، احمد بن موسی الکاظم و نزد اهالی به خواجه سلطان احمد نامور است. در زیارتنامه‌ی بقعه آمده است: «السلام علیک یا سلطان خواجه احمد بن امام موسی کاظم». برخی منابع وی را از نوادگان امام کاظم (ع) می‌دانند (سروقدی، ۱۳۸۶: ۱۶۰؛ نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

در منابع مختلف، احمد بن موسی (شاهچراغ) تنها احمد منتسب به فرزندان امام کاظم (ع) است (مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۵۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۲۲). نام «خواجه احمد» تنها در بحرالانساب‌ها دیده می‌شود. در بحارالانساب‌ها، خواجه سلطان احمد به همراه طیب و موسی نام برده شده است. در این نسخ آمده است بعد از رسیدن این بزرگان به منطقه، «دو تن [سلطان احمد و موسی] را در موضع لواسان شهید کردند» ([الف]: مقابل ۶۱؛ [ج]: ۷۱). در نسخه‌ی خطی قرن ۱۲ آمده است: «احمد و موسی بن کاظم (ع) در لواسان شهید شدند» (اسکن ۲۷).



شکل ۹: امامزاده خواجه سلطان احمد در لواسان بزرگ (نگارندگان)

در پایان باید گفت، این بقعه از قدیم مورد احترام بوده است و صندوق آن که متعلق به عهد صفوی است، نشانه‌ی اهمیت این بقعه از دوران صفوی تاکنون است. گفتنی است که در «بحرالانساب»ها آمده است: امام حسن (ع) چهارده روز میهمان ملک شاه غازی در رویان و مازندران بود و سپس به مدینه بازگشت ([الف]: ۶۵ و مقابل ۶۶؛ [ب]: بخش امام کاظم؛ [ج]: ۷۶) که درستی آن مورد تردید است.

همچنین، در مسجد امام حسن عسکری (ع) لواسان بزرگ، نوشته‌ای با مضمون عزیمت امام حسن عسکری به ایران و لواسان بزرگ دیده می‌شود که آن هم بعید به نظر می‌رسد. احتمالاً منبع این نوشته نیز «بحرالانسابها» هستند. در آنجا آمده است: «از شیخ مفید نقل است» که امام حسن عسکری به قم، ری و لواسان عزیمت کردند ([الف]: ۱۰۷ و مقابل ۱۰۸؛ [ج]: ۱۲۱). اینجا مطالب عجیبی نوشته شده است؛ اینکه امام حسن عسکری از ری به بدی یاد می‌کند، «این شهری که خون ناحق ریخته است» یا «امام حسین را سبب ری بود» ([الف]: مقابل ۱۰۸). نگارندگان در نسخه‌های ارشاد و امالی شیخ مفید، این مطالب را ندیدند و سند تاریخی دیگری هم برای آن وجود ندارد. با توجه به تولد ایشان در سامره یا مدینه، عمر حدود سی ساله، محبوس بودنشان در بیشتر اوقات و شهادتشان در سامره (مستوفی ۱۳۶۴: ۲۰۶؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۰۸-۲۰۹)، عزیمت وی به قم، ری و لواسان بعید است. تناقضات این نسخ فراوان است و ارجاع به آنها، احتیاط فراوانی می‌طلبد؛ برای نمونه در نسخه‌ی الف، در بخش احوالات امام حسن عسکری، از فردی به نام «شیخ حسین خزاعی» نقل مطلب می‌شود ([الف]: مقابل ۱۰۷)؛ اما در نسخه‌ی ج، از «شیخ حسن خوارزمی» به عنوان ناقل مطلب نام برده می‌شود ([ج]: ۱۲۰).

احتمالاً منظور از امام حسن، حسن بن زید است (کریمان، ۱۳۵۶: ۱/ ۲۱۰)؛ زیرا در قرن سوم اولین هسته‌های شیعه در شمال ایران شکل گرفت و قصران نیز تحت سلطه‌ی علویان درآمد. گروه‌هایی مانند آل بادوسپان که پیرو علویان طبرستان بودند، «ایشان را به طریقه‌ی امامیه [دوازده امامی] متابعت می‌کردند» (آملی، ۱۳۴۸: ۴۴). احتمال دارد که منظور از اصطلاح «امام حسن»، حسن بن زید باشد.

۷-۵. امامزاده موسی (یونس) در لواسان بزرگ

این بنا در جنوب روستای لواسان بزرگ قرار دارد. صاحب بقعه، با توجه به کتیبه‌ی روی صندوق امامزاده، یونس بن موسی الکاظم است و به اشتباه به موسی مشهور است. احتمالاً بر اساس بحر الانساب‌ها، این بقعه را مقبره‌ی موسی بن موسی الکاظم دانسته‌اند. یکی از راویان معتقد است که بنای بقعه، قبل از شهادت و تدفین امامزاده موسی، آتشکده بوده است (آقاشریف، [بی تا]: به نقل از مهدی صفی آریان [از معتمدین محلی]).

اطلاق اسم موسی به این امامزاده درست نیست؛ زیرا در منابع معتبر، فردی موسی نام و هم‌نام امام کاظم (ع) ذکر نشده است و طبق کتیبه‌ی صندوق بقعه، نام امامزاده «یونس بن موسی» است و در صورت پذیرش صحت کتیبه، اطلاق نام موسی بر این آرامگاه درست نیست. با پذیرفتن آن، نادرستی اطلاق نام «یونس» به امامزاده طیب رسنان نیز مشخص می‌شود.

نکته‌ی دیگر این است که روی صندوق این امامزاده، کتیبه‌ی دیگری با مضمون «... باسم امامزاده المعصوم الی جوار الله الملك امام امام [دوبار] عبدالله بن امام مرحوم محمدباقر رضوان الله علیهم اجمعین فی جمادی الاخر سنه سبعة ثمانین و ثمان مائه» وجود دارد. آیا این «امام عبدالله بن امام محمدباقر» فردی از نوادگان امام باقر (ع) است که در اینجا مدفون است؟ در کشف الکواکب آمده است: «مادر وی [عبدالله بن محمدباقر] «ام فروه» دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر بود و فردی بود با فضیلت و صالح». در شرح کافی آمده است: عبدالله فرزند حضرت امام محمدباقر دختری داشت که او را «ام الخیر» می‌گفتند. چاهی که در مدینه معروف است به «بئر ام الخیر» منسوب به همین ام الخیر است» (محلّاتی، ۱۳۴۹: ۳۰۰). پس تکلیف امامزاده یونس صندوق مقبره چه می‌شود؟ آیا دو نفر در این بقعه دفن شده‌اند؟ این سؤالات تاکنون بی‌پاسخ مانده‌اند.



شکل ۱۰: امامزاده یونس در لواسان بزرگ (نگارندگان)

با وجود زرتشتی‌نشین بودن این ناحیه در قبل از اسلام، مدرکی دال بر آتشکده بودن این بقعه در دست نیست. در زمان مادها، مغان با مرکزیت ری، طایفه‌ی مهمی محسوب می‌شدند. در آنجا کاهن بزرگ (رئیس قبیله‌ی مغان) حاکم روحانی و دنیوی بود. احتمالاً این فرد «رئیس مغان» یا «مس مغان» (عربی مسمغان، کبیرالمجوس) نامیده می‌شد. در زمان ساسانیان و حتی اعراب، مالکان فتودال ناحیه‌ی دماوند (در شمال ری) دارای این لقب بوده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۳۴۷).

یکی از نشانه‌های احتمالی ارتباط مغان با دماوند و لواسان، وجود آبادی قدیمی مغانک در دماوند و میگون در رودبارقصران (کنار لواسان) است. به میگون در دوره‌ی قاجار، میکان می‌گفتند (میگون = میگان = مُغان). تبدیل «غ» به «ی» در کلمات دیگری نظیر «بغستان / بیستون»، «بغدخت / بیدخت» و «رغ / ری» نیز دیده می‌شود (کریمان، ۱۳۵۶: ۱/ ۲۳۱). این شواهد وجود گرایش‌های مذهبی را در منطقه، حتی پیش از اسلام، نشان می‌دهد. در شکرآب آهار در منطقه‌ی رودبارقصران، هنوز بقایای آتشگاهی موجود است و حتی تنگه‌ای بین آهار و شکرآب به نام اودریان وجود دارد که صورت محلی «آدریان»

است. آدران، نام خود آتشگاه و آدریان نام زرتشتی پهنه‌ای است که آدران در آن قرار دارد (کریمان، ۱۳۵۶: ۲/ ۶۸۶).

با گرایش مردمان ایران به اسلام، کم‌کم بسیاری از نیایشگاه‌ها، آتشکده‌ها و آرامگاه‌های پادشاهان، به مدفن سادات و بزرگان علوی تبدیل شد و نامشان تغییر کرد و تعداد کمی نیز نام قدیمی را در کنار نام جدید حفظ کردند؛ مزار «لاله‌شوی» و «ساقی‌مزار» در گیلان از آن جمله‌اند (موسوی‌نژاد سوق، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۲).

۸-۵. امامزاده فضل و فاضل چهارباغ

امامزاده فضل و فاضل در جنوب غربی روستای چهارباغ واقع است. در زیارتنامه‌ی این بقعه آمده است: «السلام‌علیکم یا فضل و فاضل السلام‌علیک ایها السیدالزکی... اشهد انک قلت حقاً... السلام‌علیک ایها الشخص الشریف...» وقف مرحوم حاج کریم هدهدی. اینکه چرا در بخشی، بیشتر از یک نفر خطاب قرار گرفته (السلام‌علیکم) است و در بخش‌های دیگر، یک فرد (السلام‌علیک)، ابهام‌آمیز است. در دفترک اوقاف آمده است: «امامزاده فضل و فاضل فرزند عبدالله بن حضرت امام موسی‌الکاظم» هستند و از قول راوی آمده است: «این دو تن از برادران امامزادگان طیب و طاهر در رسنان می‌باشند که هنگام حرکت از چهارباغ به رسنان، یکی بر اثر تشنگی جان می‌بازد و دیگری توسط ضربت سنگ میرابی» (آقاشریف، [بی‌تا]: به نقل از طلایی).

احتمالاً اطلاعات نام و نسب این امامزاده از بحر الانساب‌ها بوده است؛ مثلاً در نسخه‌ی الف آمده است: فضل و فاضل و ... فرزندان عبدالله بن امام کاظم (ع) بوده‌اند ([الف]: ۵۷ و مقابل ۵۸؛ [ج]: ۶۷؛ [د]: ۸۲). نکته‌ی ابهام‌آمیز درباره‌ی اسم عبدالله و عییدالله است. در برخی منابع از این دو نفر به عنوان فرزندان امام کاظم نام برده شده است (ابن‌عنبه، ۱۳۸۱: ۱۹۷؛ مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۷۰).

در برخی بحر الانساب‌ها، از دو عبدالله (یکی با قید ثانی) نام برده شده است ([ج]: ۶۷) و در برخی، مانند نسخه‌ی قرن چهاردهم، از دو عبدالله و همچنین از عییدالله نام برده شده است. این نیز از اغتشاشات متنی این نسخه‌ها است. در نسخه‌ی الف آمده است: فضل و

فاضل بن عبدالله بن حضرت امام موسی کاظم، از بغداد روی به دارالمرز رستمدار نهادند و هنگامی که به موضع «زانوس» رسیدند، ایشان را در موضع «کندلوس» شهید کردند ([الف]: مقابل ۶۶). شهادت ایشان در موضع کندلوس، در نسخ دیگر نیز دیده می‌شود؛ بنابراین وجود مقبره‌ی آنها در چهارباغ لواسان شک برانگیز است. اینکه فضل و فاضل برادران طیب و طاهر در رستان هستند نیز درست نیست؛ زیرا مقبره‌ی واقع در رستان متعلق به یک نفر است و بر اساس همین بحرالانساب‌ها، امام کاظم فرزندی به اسم فضل و فاضل نداشته است که البته این مطلب نادرست است و ایشان فرزندی به اسم فضل داشته‌اند که مقبره‌ی وی در چهارباغ نیست. مرگ در اثر تشنگی یا ضربت فردی میرآب‌پیشه، چندان پذیرفتنی نیست و احتمالاً این روایت تحت تأثیر وقایع کربلا نقل شده است. از نمونه‌های مشابه در مناطق دیگر، بقعه‌ای با نام امامزاده آقا سید محمد، معروف به «فضل و فاضل» و از نوادگان امام کاظم (ع) است (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۳: ۴۰۰).



شکل ۱۱: امامزاده فضل و فاضل چهارباغ (نگارندگان)

۹-۵. امامزاده ابراهیم کلان

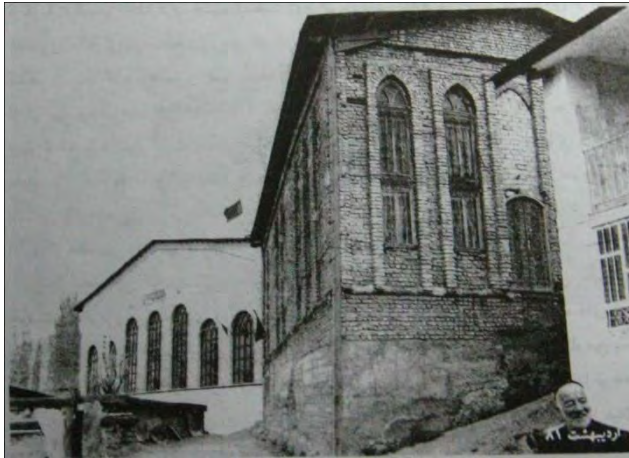
این امامزاده مقبره‌ی یکی از نوادگان موسی بن جعفر است و در مرکز روستای کلان قرار دارد. مقبره‌ی داخل مسجد با تیغه‌ای چوبی، از فضای مسجد جدا می‌شود. به گفته‌ی اهالی

تا سال‌ها پیش، بنایی با گنبد رک در بالای مقبره وجود داشته که با مداخلات غیراصولی تخریب شده است (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

بر اساس گفته‌ی راویان، امامزاده ابراهیم در زمان هارون الرشید به ایران آمد و به دست دشمن سادات به شهادت رسید. در گذشته، شجره‌نامه‌ای حاوی مشخصات این بزرگوار روی سنگ قبر وجود داشت که سال‌ها قبل توسط فردی برای قاب‌بندی برده شده و تاکنون [زمان نگارش دفترک] برگردانده نشده است؛ «استأذن خلیفتک الامام المفروض علی طاعته ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام» (آقاشریف، [بی تا]). آیت‌الله نجفی وی را یکی از نوادگان امام کاظم (ع) می‌داند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

احتمال انتساب این فرد به نوادگان امام کاظم (ع) بیشتر است؛ زیرا از یک سو، نام‌های مشابه ابراهیم از نوادگان امام کاظم در منطقه کم نیست و از سوی دیگر، ملاک قرار دادن زیارتنامه‌ی این امامزاده و انتساب این فرد به ابراهیم فرزند امام کاظم، استناد تاریخی ندارد. در بحرالانساب‌ها با در نظر داشتن اغتشاش متنی، آمده است: ابراهیم بن امام کاظم به همراه تعدادی از امامزادگان (شصت نفر) را در آمل در موضع «لله/له‌له پرچین» شهید کردند ([الف]: مقابل ۶۳ و ۶۳؛ [ج]: ۷۴). منابع معتبر دیگر نیز درباره‌ی ابراهیم بن امام کاظم نکاتی گفته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۵-۲۴۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۲۲).

برخی منابع، دو نفر را به نام‌های ابراهیم اکبر و ابراهیم اصغر، از فرزندان موسی بن جعفر ذکر کرده‌اند (ابن‌عنه، ۱۳۸۱: ۱۹۷). ابراهیم اکبر در یمن خروج کرد، مأمون به او امان داد و سرانجام در بغداد درگذشت (مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۷۴). ابراهیم اصغر (معروف به مرتضی، جد سید مرتضی و سید رضی) «در حائر حسینی، پشت سر حضرت حسین علیه‌السلام» دفن شده است (همان)؛ بنابراین حضور ابراهیم، فرزند امام کاظم و بارگاه وی در ناحیه‌ی لواسان و رودبار قصران منتفی است. حتی مرقد محله‌ی «لب آب» شیراز، منسوب به ابراهیم، فرزند امام کاظم (عطایی خراسانی، ۱۳۷۶: ۸-۹) نیز چندان منطقی نیست.



شکل ۱۲: مسجد روستای کلان، محل قبلی بقعه‌ی امامزاده ابراهیم (پازوکی، ۱۳۸۲)

۱۰-۵. امامزاده اسماعیل برگ جهان

این بقعه در غرب روستای برگ جهان واقع است. در زیارتنامه‌ی داخل امامزاده که از کنزالانساب مرحوم علم‌الهدی نقل شده، آمده است: «... اما اسماعیل بن حضرت موسی کاظم (ع) را در برگ جهان به دهنه‌ی رودبار طایفه‌ی الیاسیان شهید کردند و طایفه‌ی بهادریان در شب، پنهان آن شاهزاده را برداشته، در پایان ده، به زیر درخت چنار دفن کردند» (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). نجفی وی را از نوادگان امام کاظم (ع) می‌داند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

در منابع معتبر، تنها یک فرد به نام اسماعیل، فرزند امام کاظم وجود دارد؛ اما نقل‌ها درباره‌ی مدفن وی متفاوت است. در بحارالانوار در بخش ذکر فرزندان امام کاظم (ع) آمده است: «اسماعیل که دارای زیارتگاه بزرگی در تویسرکان ایران است...» (مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۷۰). در بخش دیگری از بحارالانوار آمده است: «اسماعیل بن موسی بن جعفر همان صاحب جعفریات است که قبرش در مصر است که در آنجا سکونت داشته و فرزندان او در همان جا بوده‌اند» (همان: ۲۸۲). نویسنده در همین کتاب، از مقبره‌ی دیگری در فیروزکوه، منسوب به اسماعیل بن موسی الکاظم، نام می‌برد (همان: ۲۸۳). ابن شهر آشوب نیز نوشته است اسماعیل ابن جعفر صادق علیه‌السلام ساکن مصر بود و فرزندان او نیز همان جا بودند (همان: ۲۸۲). در تاریخ‌گزیده در ذکر فرزندان امام کاظم (ع) آمده است: «اسماعیل و

عبیدالله به گریوه مایین مدفونند» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴). مائین در استان فارس قرار دارد. در این منابع مکان‌های مختلفی به عنوان مرقد اسماعیل بن موسی‌الکاظم ذکر شده است که مصر درست‌تر به نظر می‌رسد.



شکل ۱۳: امامزاده اسماعیل برگ جهان، قبل از خرابی بقعه (پازوکی، ۱۳۸۲)

در بحرالانساب‌ها نیز از این امامزاده یاد شده است؛ مثلاً در نسخه‌ی الف آمده است امامزاده اسماعیل بن موسی‌الکاظم را «در موضع بلکجان [برگ جهان] به دهانه‌ی رودخانه‌ی رودبار، طایفه‌ی الیاسیان شهید کردند و طایفه‌ی بهادینان امامزاده اسماعیل را از خارجیان پنهان داشتند و شب برداشتند و در پایان ده بلکجان به زیر درخت چنار دفن کردند» ([الف]: مقابل ۷۵). همین مطلب با تفاوت اندکی در نسخ دیگر آمده است ([ج]: ۸۸). با توجه به حضور اسماعیل بن موسی‌الکاظم در مصر، مطالب کنز/بحرالانساب درست به نظر نمی‌رسد و انتساب فرد مدفون به نوادگان امام کاظم (ع) درست‌تر است.

۱۱-۵. امامزاده طیب حسین طاهر

این امامزاده در روستای کمرد واقع است و شخص مدفون از نوادگان امام موسی کاظم (ع) دانسته شده است (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). در بررسی منابع، به فردی با مشخصات یاد شده

روبه‌رو نشدیم؛ بنابراین پذیرش آن با تردید همراه است. حداکثر می‌توان گفت، احتمالاً فردی از اخلاف ائمه (ع) بوده است.

۶. تحلیل و بررسی

منابع متعددی درباره‌ی نام و تعداد فرزندان و نوادگان امام کاظم (ع) سخن رانده‌اند که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در عمده‌الطالب تعداد فرزندان امام کاظم، شصت نفر، ۲۳ پسر و ۳۷ دختر، ذکر شده است (ابن‌عنه، ۱۳۸۱: ۱۹۶-۱۹۷). در تاریخ یعقوبی، فرزندان آن حضرت ۴۱ تن، هجده پسر و ۲۳ دختر (الیعقوبی، [بی‌تا]: ۴۱۵) ذکر شده است و صاحب سراج‌الانساب فرزندان آن حضرت را شصت تن می‌داند^۱.

یازده امامزاده از هفده امامزاده‌ی لواسان (حدود ۶۵ درصد)، به فرزندان و نوادگان امام کاظم منسوبند. بر اساس بررسی‌های اسنادی و میدانی، این نسبت‌ها نادرست هستند؛ اما به گواهی تاریخ، امام کاظم (ع) بیشترین فرزند و نواده را داشته‌اند. همچنین شرایط سیاسی-اجتماعی دوران امام کاظم و امام رضا، تغییر در شیوه‌ی حکومت‌داری عباسیان، تغییر مرکز خلافت و ولایت‌عهدی امام رضا سبب مهاجرت بیشتر سادات از عراق و حجاز به فلات ایران و سرزمین‌های دیگر شد.

این مهاجرت‌ها در برهه‌های مختلف تاریخی به سمت شرق، خاصه ایران و با فراز و فرودهایی رخ می‌داد؛ برای نمونه خشونت و کشتار حجاج‌بن یوسف (۷۵-۹۵ ه. ق) باعث افزایش مهاجرت‌ها در زمان امام سجاد (ع) شد. به طور کلی، مهاجرین از فرزندان امام حسن مجتبی، امام سجاد و بعدها فرزندان امام باقر و امام صادق بودند (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۵). در زمان ولایت‌عهدی امام رضا و عزیزمیشان به ایران، مهاجرت افزایش یافت (بووا، ۱۳۶۵) و بعد از شهادت ایشان، قتل و محدودیت خاندان رسول‌الله (ص) بیشتر شد. در تاریخ روایان آمده است: «فی الجملة سادات علویه [به] سبب آوازه‌ی ولایت‌عهدی و حکومت امام

۱. نک: کیاگیلانی، ۱۴۰۹: ۷۲؛ زورقانی، ۱۴۰۹: ۱۰-۲۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۲۲؛ حسینی نجفی، ۱۴۱۹: ۶۴؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن شهر آشوب، [بی‌تا]: ۳۲۴؛ قمی، ۱۳۶۸: ۸۲۳؛ مجلسی، ۱۳۵۵: ۲۷۰؛ بحرالعلوم گیلانی، ۱۳۷۸: ۱۳۵-۱۳۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۸۱؛ شریف، ۱۴۳۱: ۲۸۰-۳۰۰.

رضا علیه‌السلام روی بدین طرف نهاده‌اند و او را بیست و یک برادر بود با چندین برادرزادگان و بنی اعمام از بنی حسن و بنی حسین. این‌ها به ری و نواحی عراق و قومن رسیدند... [مأمون] با آن همه عهد که کرده بود، به آخر غدر کرد و زهر در انگور تعبیه کرده و خورد رضای معصوم داد» (آملی، ۱۳۴۸: ۸۰).

گروه پرجمعیت دیگری که برای دیدار امام رضا حرکت کردند، کاروان احمدبن موسی شاهچراغ با برادران و بسیاری از سادات بود که در شیراز، حاکم مأمون مانع آنان شد و به جنگ، درگیری و کشته شدن بسیاری منجر شد. دیگری قافله‌ی حضرت فاطمه‌ی معصومه (س) با صدها نفر از سادات بود که به دلیل ممانعت از ورود آنان در ساوه، درگیری و نبرد اتفاق افتاد و عده‌ای از سادات شهید و مجروح شدند (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶). وجود قیام‌هایی مانند یحیی عمر حسینی در کوفه در سال ۲۴۹ ه. ق و سرکوبی آن توسط خلیفه مستعین (۲۴۸-۲۵۲ ق)، باعث مهاجرت بیشتر سادات، به ویژه به شمال ایران شد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۲۷-۲۲۸).

دلیل دیگر تسریع این مهاجرت‌ها، تشکیل حکومت علویان در شمال ایران به رهبری حسن بن زید (۲۵۰ ه. ق) بود (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۶۷) که سبب هموار شدن راه نفوذ قطعی اسلام و گسترش فرهنگ شیعی در این مناطق شد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۲۹-۲۳۳؛ حکیمیان، ۱۳۶۸: ۷۱)؛ بنابراین انتساب این تعداد از امامزادگان لواسانات و رودبارقصران به فرزندان و نوادگان امام کاظم (ع) عجیب نیست.

انتساب بحر الانساب، کنز الانساب، بهره‌الانساب یا نام‌های مشابه به ابومخنف و یا انتساب ترجمه‌ی فارسی آن‌ها به علم‌الهدی (قرن چهارم و پنجم ه. ق)، سبب تردید در وثاقت این منابع می‌شود؛ زیرا در آثار ابومخنف، نامی از این کتاب دیده نمی‌شود. علم‌الهدی نیز عرب‌زبان بود و فارسی نمی‌دانست.

در میان نسخه‌های بررسی شده، نام‌های غیرمتعارفی به فرزندان ائمه منسوب شده‌اند که در کتب معتبر دیده نمی‌شوند. همچنین نام‌هایی چون ساروقمش، میردوسپری و... وجود دارند که مربوط به اعصار اولیه‌ی اسلامی نیستند و فرزندان با نام‌های رضاکیا، جمشیدکیا، علی‌کیا و... به عمران بن امام کاظم (ع) نسبت داده شده‌اند (بحر الانساب قرن دوازده: ۵۳).

در ابتدای نسخه‌ی الف آمده است که کاتبان این کتاب، «امام صادق و امام حسن عسکری بوده‌اند و این کتاب مدتی در مسجدالاقصی بوده است و در سال ۶۵۰ ه. ق، سید ابوطاهر بن جعفر بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی (ع) با خود به ولایت عجم آورد و در سبزوار در گذشت. این کتاب عربی بود و علم‌الهدی به زبان فارسی ذکر کرد تا نام امامزادگان و سیدزادگان ... در روی زمین پوشیده نماند». انتساب کتابت آن به امام صادق و امام حسن عسکری جای تردید است.

کهن‌ترین نسخه‌ی بررسی شده‌ی بحرالانساب مربوط به سال ۱۰۷۴ ه. ق (قرن یازدهم) است (موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران). نسب‌نامه‌ی دیگر بنا بر نوشته‌ی اول آن، به قرن هشتم یا نهم ه. ق تعلق دارد (موجود در کتابخانه‌ی مجلس) که نثر و مطالب آن با آثار موسوم به بحرالانساب تفاوت دارد. نسخه‌ی دیگری با نام بحرالانساب به زبان فارسی در مشهد نگهداری می‌شود که منسوب به محمدجعفر بن حسین مکی (قرن دهم ه. ق) است و در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۰۱۹ ه. ق با خط نستعلیق و توسط خواجه اسماعیل بن عبدالوهاب نوشته شده است (درایتی، ۱۳۸۹: ۴۱۳). قدیمی‌ترین نسخه‌ی عربی بحرالانساب مربوط به قرن یازدهم ه. ق (۱۰۵۶ ه. ق) و به خط نسخ است که در مرکز احیاء قم نگهداری می‌شود (همان)؛ بنابراین قدیمی‌ترین نسخه‌های بحرالانساب در دسترس نگارندگان، متعلق به قرن یازدهم هستند. احتمالاً رسمی شدن شیعه در عصر صفوی و آغاز کتابت این نسخه‌ها قرابتی معنادار دارند.

۷. نتیجه‌گیری

۱. مبنای انتساب برخی امامزادگان منطقه، نسخه‌های بحرالانساب / کنزالانساب است؛ اما وجود تناقض، برای نمونه درباره‌ی امامزاده فضلعلی ناران و نکات دور از واقعیت، همچون انتساب بحرالانساب به ابومخنف یا انتساب ترجمه‌ی فارسی آن‌ها به علم‌الهدی، اطمینان به این منابع را کم می‌کند.

۲. در آثار بزرگانی چون شیخ طبرسی، شیخ مفید، ابن شهر آشوب، مجلسی و ... از فرزندان مستقیم امام کاظم (ع) یاد نشده است؛ بنابراین، این انتسابات نیز شک برانگیز هستند.

۳. بر اساس بحرالانساب‌ها، امامزاده محمد و عبدالله بوجان، از فرزندان امام سجاد (ع) محسوب می‌شوند و مدرکی دال بر انتساب آن‌ها به امام کاظم (ع) وجود ندارد.

۴. مقبره‌ی امامزاده فضل و فاضل که نامشان تنها در بحرالانساب‌ها آمده است، در چهارباغ لواسان واقع نشده است؛ زیرا منابع مقبره‌ی آن‌ها را در ناحیه‌ی کندلوس ذکر کرده‌اند.

۵. انتساب امامزاده ابراهیم روستای کلان به فرزند امام کاظم، مردود است و احتمالاً ایشان از نوادگان امام کاظم هستند.

۶. در بحرالانساب‌ها مقبره‌ی امامزاده اسماعیل بن موسی را در بلکجان [برگ جهان] نوشته‌اند؛ اما قبر این امامزاده به احتمال فراوان در مصر است. صاحب مقبره‌ی برگ جهان فقط ممکن است یکی از نوادگان ائمه باشد.

۷. مدرکی برای انتساب امامزاده طیب حسین طاهر در روستای کمرد به امام کاظم (ع) به دست نیامده است.

۸. وجود نام‌های مشابه، مانند امامزاده شعیب در گُند سفلی و سبزوار، امامزاده فضل در آوه، بهبهان و لواسان و امامزاده اسماعیل در تویسرکان، مصر و لواسان، نسب‌شناسی امامزادگان را مشکل می‌کند. در این مقاله، دلایل نادرست بودن برخی از آن‌ها را آورده‌ایم.

۹. وجود نام‌های ایرانی یا اصطلاحات فارسی و مخصوص یک برهه‌ی زمانی در بحرالانساب‌ها، مانند جمشیدکیا، سپهسالار، موسی‌کیا، حاجی‌رضا، عزیزالله، حبیب‌الله، عمادالدین و قوام‌الدین، نشان‌دهنده‌ی تغییر این متون در گذر زمان است.

۱۰. امامزاده طیب رسنان، احتمالاً از امرای وابسته به حکام طبرستان و گیلان بود که به دلیل وجود نام حضرت مهدی (عج) بر ضریح آن، شیعه بوده

است. تغییر نام‌های برخی از این مقابر، مانند امامزاده یونس بن موسی در لواسان بزرگ، احتمالاً دلایل سیاسی داشته است. وجود نام‌های متعدد روی صندوق این امامزاده، هویت یابی وی را مشکل می‌کند.

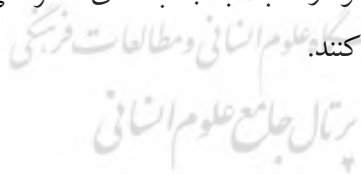
۱۱. تدفین مردم عادی در اطراف این بقاع برای شفاعت از سوی صاحب مقبره، مجموعه‌ای متشکل از آب، مقبره، گورستان، درختان مقدس و اعتقاد به بستن دخیل را پدید می‌آورد که احتمالاً نشانه‌های قبری پنهان بودند که بعدها با قدرت یابی شیعه، آشکار شده است.

۱۲. مردم منطقه گرایش فراوانی به ساخت امامزاده دارند. ساخت امامزاده ابراهیم در روستای ایراء لواسانات که احتمالاً بین آن و امامزاده ابراهیم در روستای کلان رقابت وجود دارد، نمونه‌ی این گرایش است.

حضور فرزندان معصومین در ایران، به‌ویژه در زمان امام کاظم (ع) و امام رضا (ع)، سبب گسترش شیعه و آمادگی تدریجی برای پذیرش آن شد. این نقش، بسیار پیچیده و دقیق است و خلاء تحقیقات فراگیر در این زمینه احساس می‌شود.

سپاس‌گزاری

نگارندگان تشکر و قدرشناسی خود را نسبت به جناب آقای دکتر علی بیات، برای خواندن مقاله و راهنمایی‌هایشان ابراز می‌کنند.



منابع

- آقاشریف، احمد. [بی تا]. **دفترک اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی شهرستان لواسانات و رودبار قصران**.

- آملی، اولیاءالله. (۱۳۴۸). **تاریخ رویان**. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن. (۱۳۲۰). **تاریخ طبرستان**. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. ج ۱. تهران: چاپخانه‌ی مجلس.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی. (۱۳۸۱). **معالم‌العلماء**. نجف اشرف: منشورات - المطبعة الحیدریه.

----- [بی تا]. **مناقب آل ابی طالب**. تصحیح و التعلیق

الحاج السیدهاشم الرسولی المحلاتی. ج ۴. قم: المطبعه العلمیه.

- ابن عنبه، سید جمال‌الدین احمدین علی‌الحسنی. (۱۳۸۱). **عمده الطالب فی انساب آل ابی-**

طالب. تصحیح محمدحسن آل‌الطالقانی. ط ۲. نجف: منشورات المطبعه الحیدریه.

- **اطلس تهران: تجهیزات شهری و اوقات فراغت در تهران**. (۱۳۴۷). تهران: مؤسسه‌ی

مطالعات اجتماعی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

- بحرالعلوم گیلانی، محمد مهدی فقیه محمدی جلالی. (۱۳۷۸). **انوار پراکنده «بررسی تاریخ**

و زندگانی امامزادگان قم». چ ۲. تهران: سیف.

- بدایع نگار لاهوتی (میرزا مهدی خان تفرشی). (۱۳۱۹). **بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب**.

[بی جا]: چاپخانه عالی (علی اعلمی).

- بووا، لوسین. (۱۳۶۵). **برمکیان: به روایات مورخین عرب و ایران**. ترجمه‌ی عبدالحسین

میکده. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.

- پازوکی طرودی، ناصر. (۱۳۸۱). «معرفی اجمالی شمیران و فهرست آثار تاریخی- فرهنگی آن».

مجموعه مقالات پژوهشی اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان تهران. تهران: پژوهشگاه

میراث فرهنگی.

----- (۱۳۸۲). **آثار تاریخی شمیران: جغرافیای تاریخی و معرفی**

محوطه‌های باستانی و بناهای تاریخی و فرهنگی. تهران: میراث فرهنگی.

- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). **آشنایی با معماری اسلامی ایران**. تدوین غلامحسین

معماریان. چ ۱۲. تهران: سروش دانش.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی. (۱۳۷۶). **ترجمه‌ی تقویم‌التاریخ (سالشمار وقایع**

مهم جهان از آغاز آفرینش تا سال ۱۰۸۵ ق). تصحیح میرهاشم محدث. تهران: میراث

مکتوب.

- حبیبی، حسن. (۱۳۸۹). **شماری از بقعه‌ها، مرقدها و مزارهای استان تهران و البرز**.

جلد اول: اسلام‌دشت، پاکدشت، دماوند، رباط کریم، ساوجبلاغ و شهرری. پژوهش گروهی بنیاد

ایران‌شناسی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

----- (۱۳۸۹). **شماری از بقعه‌ها، مرقدها و مزارهای استان تهران و البرز.** جلد دوم: شهرستان‌های شهریار، فیروزکوه، کرج، نظرآباد و ورامین. پژوهش گروهی بنیاد ایران-شناسی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

- الحسینی النجفی، السید محمدبن احمدبن عمیدالدین. (۱۴۱۹). **بحرالانساب المسمی بالمشجر الکشاف لأصول الساده الأشراف.** تحقیق الشریف انس یعقوب الکتبی الحسنی. المدینه المنوره: دارالمجتبی للنشر و التوزیع.

- حکیمیان، ابوالفتح. (۱۳۶۸). **علویان طبرستان.** چ ۲. تهران: الهام.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۸۰). **تاریخ حبیب‌السیر.** زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ج ۲. چ ۴. تهران: خیام.

- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). **فهرست‌واره‌ی دست‌نوشته‌های ایران (دنا).** تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

- دیاکونوف، ا. م. (۱۳۵۷). **تاریخ ماد.** ترجمه‌ی کریم کشاورز. تهران: پیام.
- رازی، امین‌احمد. (۱۳۷۸). **هفت اقلیم.** تصحیح سید محمدرضا طاهری. ج ۲. تهران: سروش.
- رنجبر، محمود و هدایت‌الله ستوده. (۱۳۸۸). **مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران.** چ ۵. تهران: ندای آریانا.

- زارعی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). **آشنایی با معماری جهان.** چ ۸. تهران: فن‌آوران.
- الزورقانی / الزورقانی، اسماعیل المرزوی. (۱۴۰۹). **الفخری فی انساب الطالبیین.** تحقیق السید مهدی الرجایی. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی العامه.

- ستوده، منوچهر. (۱۳۴۵). **قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز.** تهران: دانشگاه تهران.
- سروقدی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). **بقاع متبرکه تهران.** چ ۲. تهران: اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه‌ی استان تهران.

- شریف، ابوالحسن بن محمدطاهر. (۱۴۳۱). **تهذیب حدائق‌الالباب فی الانساب.** المحقق السید مهدی الرجایی. قم: مکتبه سماحه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی الکبری.
- صدر حاج سیدجواد، احمد و دیگران. (۱۳۷۳). **دایره‌المعارف تشیع.** ج ۲. تهران: نشر محبی.

- طبرسی، فضل‌بن حسن (امین‌الاسلام). (۱۳۹۰). **زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام (ترجمه إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی).** ترجمه‌ی عزیزالله عطاردی قوچانی. تهران: اسلامیه.

- عطایی خراسانی، علی اصغر. (۱۳۷۶). **زندگانی امام هشتم علی بن موسی الرضا**. چ ۲. مشهد: سنبله.
- علیی، میثم. (۱۳۹۱). «بررسی کتیبه‌های صندوق‌های برخی از مقابر ناحیه‌ی لواسانات و رودبار قصران». **همایش هنر قرآنی**. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- غروی، مهدی. (۱۳۷۶). **آرامگاه در گستره‌ی فرهنگ ایرانی**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قرایی مقدم، امان‌الله. (۱۳۸۲). **انسان‌شناسی فرهنگی**. چ ۲. تهران: ابجد.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۶۸). **منتهی الآمال**. چ ۶. [بی‌جا]: مطبوعاتی حسینی.
- کریمان، حسین. (۱۳۵۶). **قصران**. ج ۱ و ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- کیاء گیلانی. سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن. (۱۴۰۹). **سراج‌الانساب**. زیر نظر سید محمود مرعشی. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۹). **تاریخ هنر و معماری ایران در دوران اسلامی**. تهران: سمت.
- (۱۳۸۶). **معماری ایران دوره‌ی اسلامی**. چ ۵. تهران: سمت.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۳۹۶). **بحار الأنوار**. ج ۴۶، ۴۸، ۴۹ و ۵۰. ترجمه‌ی موسی خسروی. تهران: اسلامیه.
- محلاتی، ذبیح‌الله. (۱۳۴۹). **اختران تابناک (کشف‌الکواکب): زندگانی مشاهیر، امامزادگان و علماء آل ابی‌طالب**. تحریر و تصحیح محمدجواد نجفی. ج ۱. تهران: اسلامیه.
- محمودیان، علی‌اکبر و دیگران. (۱۳۸۱). **اطلس شهرستان شمیران**. تهران: مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- مرعشی، ظهیرالدین. (۱۳۶۱). **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**. به کوشش محمدحسین تسییحی. چ ۲. تهران: شرق.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. تحقیق مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام. ج ۲. قم: کنگره‌ی شیخ مفید.
- معصوم شیرازی، محمد [معصوم‌علیشاه نایب‌الصدر]. (۱۳۴۵). **طرایق‌الحقایق**. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: نشر بارانی.

- معین، محمد. (۱۳۸۸). **فرهنگ معین**. تهران: امیرکبیر.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی. (۱۳۷۸). **دایره‌المعارف بناهای آرامگاهی ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه‌ی هنری.
- موسوی‌نژاد سوق، سید علی. (۱۳۸۵). **کوکب چهل اختران قم**. ج ۴. قم: کومه.
- میرلطیفی، سید جلال. (۱۳۸۴). **آشنایی با معمای ایران (شیوه‌ی پارس و پارتی و سازه‌های طاقی)**. تهران: قاضی.
- ناصر خسرو. (۱۳۵۴). **سفرنامه**. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- نجفی. ضیاء‌الدین. (۱۳۹۰). **امامزاده‌های ایران (فهرستی کوتاه پیرامون مرقد مطهر بخشی از امامزاده‌های آرمیده در ایران)**. [بی‌جا]: آثار اهل‌البیت.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۳). **معماری اسلامی**. ترجمه‌ی باقر آیت‌الله‌زاده‌ی شیرازی. چ ۲. تهران: روزنه.
- الیعقوبی. احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی. [بی‌تا]. **تاریخ الیعقوبی**. بیروت: دارصادر.

نسخه‌های خطی

- نسب‌نامه (ائمه و امامزادگان). [بی‌تا]. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس. شماره‌ی ۱۱۳۸۲ / ۷۸۷۴۳، شماره‌ی قفسه ۹۴۹۲.
- بحر‌الانساب. نسخه‌ی خطی جمادی‌الثانی سال ۱۰۷۴ ق. شماره‌ی ۲۰۴۵ ف. خط نسخ. نسخه‌ی نگاتیوی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران. برگرفته از نسخه‌ی وقف آستان قدس در سال ۱۳۳۸.
- بحر‌الانساب. نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۲۲۳ ج. خط نستعلیق. قرن ۱۲. کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- بحر‌الانساب (میکروفیلم نسخه‌ی خطی). کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران. شماره‌ی ۲۸۱۷/۲ ف. نستعلیق. قرن ۱۲ [فیلم‌ها: ف ۱-۷۳۴].
- بحر‌الانساب [دانشگاه تهران، شماره‌ی ۳۰۶۴] [ف: ۱۱-۲۰۰۲]. نستعلیق. قرن ۱۳.
- بهر‌الانصاب = بحر‌الانساب (۱۲۰۸ق). ابومخنف / ابومخنف، لوط بن یحیی ازدی کوفی (۱۵۷ق). وضعیت نشر: اول ذی‌قعدة‌ی ۱۲۰۸ ق. شماره‌ی ۷۰۵۴. زبان فارسی. خط نسخ. مأخذ فهرست. جلد ۲۵. صفحه ۶۶. مجموعه‌ی نسخ خطی کتابخانه‌ی مجلس.

- بحر الانساب (۱۲۳۸ ق). منسوب به ابو مخنف / ابو مخنف بن لو طبن یحیی خزاعی (۱۵۷ ق). وضعیت نشر: محمد قلی نوری (میرزا محمد حسین نوری ملقب به خواجه) (۱۲۳۸ ق). شماره‌ی ۱۴۸۶۷. زبان فارسی. خط نستعلیق. مجموعه‌ی نسخ خطی کتابخانه‌ی مجلس.
- بحر الانساب = بحر النساب (۲۹ شوال ۱۲۸۳). منسوب به سید مرتضی بن داعی علم‌الهدی (قرن ۶ ه.ق). شماره‌ی ۸۰۴۷. زبان فارسی. خط نستعلیق. مجموعه‌ی نسخ خطی کتابخانه‌ی مجلس.
- بحر انساب (قرن ۱۴). منسوب به ابو مخنف، لو طبن یحیی خزاعی (۱۵۷ ق). شماره‌ی ۱۵۲۰۴. نشر شیخ محمد حسن نجفی، فرزند شیخ عیسی لواسانی (قرن ۱۴). زبان فارسی. خط نستعلیق. مجموعه‌ی نسخ خطی کتابخانه‌ی مجلس.

